

رابطه‌ی جهت‌گیری ارتباطی خانواده و نگرش نسبت به خلاقیت با نقش میانجی

انگیزش تحصیلی

قوام ملتفت* سمیه سادات ساداتی فیروزآبادی** حمیده اداوی***
دانشگاه یاسوج دانشگاه شیراز دانشگاه یاسوج

چکیده

هدف پژوهش حاضر آزمون مدل الگوی ارتباطی خانواده و نگرش نسبت به خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی با نقش میانجی‌گری انگیزش تحصیلی بود. شرکت‌کنندگان پژوهش، ۳۲۸ دانش‌آموز (۱۴۵ پسر، ۱۸۳ دختر) مقطع دبیرستان شهر الیگودرز بودند. که به پرسش‌نامه‌ی نگرش نسبت به خلاقیت شیففر، پرسش‌نامه‌ی الگوی ارتباطی خانواده فیتزپاتریک و ریچی و پرسش‌نامه‌ی انگیزش تحصیلی از گی والرنند و بلانچارد، پاسخ دادند. به منظور بررسی پایایی آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید؛ که پایایی مقیاس‌های پژوهش تأیید گردید. نتایج تحلیل مسیر مدل پژوهش به طور کلی نشان داد که خلاقیت دانش‌آموزان تحت تأثیر الگوی ارتباطی خانواده و انگیزش تحصیلی قرار دارد. بدین صورت که از بین ابعاد جهت‌گیری ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود به صورت مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی به صورت منفی نگرش نسبت به خلاقیت را پیش‌بینی می‌کنند. در رابطه با الگوی ارتباطی خانواده با انگیزش درونی نتایج نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود به صورت مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی به صورت منفی انگیزش درونی را پیش‌بینی می‌کنند. دیگر نتایج نشان داد که جهت‌گیری گفت‌و شنود از طریق انگیزش درونی به صورت مثبت و از طریق بی‌انگیزشی به صورت منفی خلاقیت را پیش‌بینی می‌کنند. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی خانواده با واسطه‌ی انگیزش می‌تواند بر نگرش نسبت به خلاقیت اثر بگذارد. بنابراین نتایج پژوهش می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار والدین و معلمان به منظور بهبود خلاقیت فراهم کند از جمله این‌که معلمان و والدین می‌توانند با بهره‌گیری از شیوه‌های آموزشی و تربیتی مشارکتی و گفتگو محور زمینه را برای ایجاد انگیزه‌ی درونی و به طبع آن خلاقیت فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی: نگرش به خلاقیت، گفت‌و شنود، هم‌نوایی و انگیزش تحصیلی

* استادیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یاسوج (نویسنده‌ی مسؤل) moltafet@yu.ac.ir

** استادیار روان‌شناسی آموزش کودکان استثنایی دانشگاه شیراز somayesadati@ut.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یاسوج hamidav66.psy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۶

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۹۵/۳/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۳۰

مقدمه

خلاقیت به‌عنوان عالی‌ترین و پیچیده‌ترین کارکرد ذهنی انسان محسوب می‌شود. دیویس^۱ (۲۰۰۶) معتقد است که امروزه، بحث‌های خلاقیت و نوآوری تبدیل به شعار روزمره‌ی زمانه‌ی ما شده‌اند. اکنون در آغاز هزاره سوم می‌توان گفت خلاقیت، همان پدیده‌ای است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی ابتدایی انسان‌های نخستین جدا می‌کند (کافمن و استرنبرگ^۲، ۲۰۱۰). برای خلاقیت تعاریف متعددی ارائه شده است که برخی از آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی افراد را محور قرار داده و خلاقیت را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصایص فردی تلقی می‌کنند (گیلفورد^۳ ۱۹۵۰ به نقل از رانکو^۴ و آلبرت^۵، ۲۰۱۰). برخی دیگر خلاقیت را شکل دادن تجربه‌ها در سازمان‌بندی تازه قلمداد می‌کنند و در نتیجه به خلاقیت به‌عنوان یک محصول توجه می‌کنند (تایلر^۶، ۱۹۸۸، به نقل از کازبلت، بگهتو^۷ و رانکو^۸، ۲۰۱۰). محققان زیادی به بررسی و تعریف خلاقیت پرداخته‌اند که می‌توان به آمابیل و استرنبرگ اشاره کرد. آمابیل (۱۹۸۳) دو ضابطه‌ی "تازگی" و "متناسب" را مشخصه‌ی اساسی خلاقیت می‌داند. از نظر وی خلاقیت شامل سه عنصر اساسی "قلمرو و مهارت"، "تخصص" و "انگیزه" می‌باشد. از نظر آمابیل (۱۹۷۹ و ۲۰۰۱) انگیزه‌ی درونی جزء سومین عنصر خلاقیت می‌باشد. وی معتقد است این انگیزه آنقدر نادیده گرفته شده که می‌توان آن را حلقه‌ی مفقوده خلاقیت نامید (کولینز و آمابیل^۹، ۲۰۰۹، به نقل از البرزی، جوکار و خیر، ۱۳۸۹). استینبرگ و لوبارت^۹ (۱۹۹۳ و ۱۹۹۶) نظریه‌ای یکپارچه با عنوان "نظریه‌ی سرمایه‌گذاری خلاقیت"^{۱۰} ارائه می‌دهند و معتقدند برای شکل‌گیری خلاقیت بایستی بین عوامل چندگانه‌ی فردی و محیطی (توانایی هوشی، سبک تفکر، دانش، شخصیت، انگیزش و محیط) همگرایی به‌وجود آید. آن‌ها بر این باورند که بدون انگیزش درونی و عشق به کار بندرت عمل خلاقانه‌ای انجام می‌گیرد. هم‌چنین در ارتباط با عوامل محیطی کافمن و استرنبرگ (۲۰۱۰) معتقدند که خلاقیت عموماً بستگی به محیط دارد ممکن است شخصی انگیزش، هوش یا شخصیت را برای تفکر خلاق داشته باشد، اما بدون وجود یک محیط حمایت‌کننده، خلاقیت این فرد هرگز آشکار نشود.

1-Davies

2-Kaufman & Sternberg

3-Guilford

4- Runco

5-Albert

6-Tyler

7-Kazbelt, Kazbelt, Begehutto

8-Amabile

9- Steinberg & Lubart

10- Creativity investment theory

با توجه به مباحث کافمن و استرنبرگ (۲۰۱۰) می‌توان بیان نمود که محیط نقش مهمی در بروز خلاقیت ایفا می‌کند یکی از شرایط محیطی که به انگیزش و بر خلاقیت اثر می‌گذارد، بافت خانواده است. درارتباط با بافت خانواده، شیوه‌های فرزندپروری متغیر مهمی است. اخیراً در مورد ارتباط فرزندان و والدین مبحث الگوی ارتباطی خانواده مطرح شده است (فیتزپاتریک^۱ و کوئر^۲، ۲۰۰۴).

اصولاً مفهوم الگوی ارتباطی خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و این‌که اعضا چه چیز به یکدیگر می‌گویند و چه کار انجام می‌دهند و این‌که چه معنایی از این ارتباطها دارند تعریف می‌شود (فیتزپاتریک و کوئر^۲، ۲۰۰۴). فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) برای الگوی ارتباطی خانواده دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی را در نظر می‌گیرند. در بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود، خانواده فضای آزاد و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، در این بعد جوی ایجاد می‌شود که همه‌ی اعضای خانواده تشویق می‌شوند که به‌صورت آزاد در تعاملات، پیرامون موضوعات مختلف شرکت کنند (کوئر^۲ و مکی^۳، ۲۰۰۴). در بعد جهت‌گیری همنوایی، تأکید بر همسانی باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید اعضا در خانواده است (کاگوا^۴، ۲۰۰۸؛ کوئر^۲ و مکی^۳، ۲۰۰۴). در این نوع جهت‌گیری بر هماهنگی، اجتناب از تعارض و وابستگی اعضا به یکدیگر تأکید می‌کنند؛ اصولاً ارتباط در این خانواده‌ها منعکس‌کننده‌ی اطاعت از والدین و بزرگسالان می‌باشد (کاگوا^۴، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این عوامل بافتی، بر خلاقیت اثر بسزایی می‌گذارند. برای نمونه در پژوهشی گنزالز، هولین و کوایلتر^۵ (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که رفتارهای حامی خوداستقلال والدین، منجر به افزایش خلاقیت در فرزندان‌شان می‌شود. در پژوهشی دیگر حاجی‌زاده، رفاهی، تابع بردبار و حقیقی (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که از میان ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود رابطه‌ی مثبت و معناداری با خلاقیت دارد.

علاوه بر بافت و الگوی ارتباطی خانواده، ویژگی‌های فردی هم‌چون انگیزش نیز یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر خلاقیت می‌باشد (آماییل، ۱۹۹۶؛ استنبرگ، لامبرن و دارلینگ، ۱۹۹۱). آماییل (۱۹۸۵ و ۱۹۹۶) در نظریه‌ی خود بر این باور است که "انگیزش تکلیف"^۶ در شکل‌گیری خلاقیت نقش بسزایی برعهده دارند. انگیزش، به‌عنوان پیامد ناشی از محیط اجتماعی، خانوادگی و مدرسه

1-Fitzpatrick

2- Koerner

3-Maki

4-Kagawa

5-Gonzalez, Holbein & Quilter

6- Intrinsic-task motivation

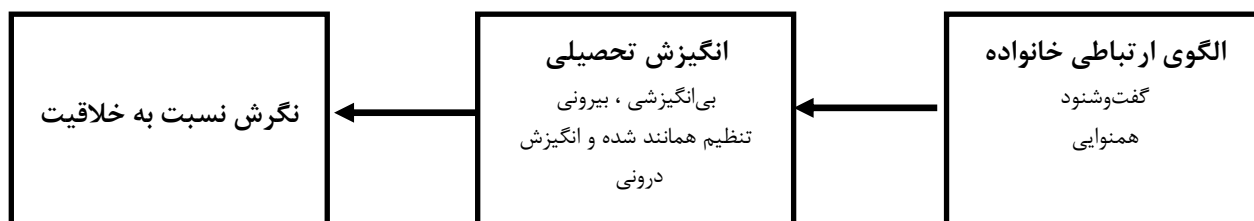
تأثیر انکارناپذیری هم بر آغاز، هم بر تداوم و هم بر پایان چرخه‌ی تفکر خلاق دارد. آمابیل (۱۹۹۶) بر نقش انگیزه درونی در بروز خلاقیت تأکید دارد. ازجمله مطرح‌ترین نظریه‌ها در خصوص انگیزش درونی، نظریه‌ی خودتعیینی دسیوریان (۱۹۸۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۸) می باشد. در یک تعریف کلی انگیزش به‌عنوان عامل نیرودهنده و جهت‌دهنده‌ی رفتار انسان تعریف شده است (ریان و دسی، ۲۰۰۸). طبق نظریه‌ی خودتعیینی، سه نوع انگیزش عبارتند از: بی‌انگیزشی^۱، انگیزش بیرونی^۲ و انگیزش درونی^۳ (دسی و ریان، ۲۰۰۰). این انواع انگیزش را می‌توان در یک پیوستار خودمختاری یا درک منبع علّیت، مرتب کرد. در ابتدای این پیوستار حالت بی‌انگیزشی قرار دارد که وضعیتی را نشان می‌دهد که فرد برای انجام هیچ فعالیتی رغبتی ندارد به عبارتی فرد هیچ برانگیختگی برای انجام فعالیت ندارد (ریان و دسی، ۲۰۰۱، به نقل از البرزی و رضویه، ۱۳۹۰). بعد از بی‌انگیزشی، چهار نوع انگیزش بیرونی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را بر اساس درجه‌ی خودمختاری از یکدیگر متمایز کرد. در سطح تنظیم بیرونی^۴، افراد برای کسب پیامد مطلوب و اجتناب از تنبیه برانگیخته می‌شوند؛ درجه‌ی بعد از تنظیم بیرونی، تنظیم درون‌فکنی شده^۵ قرار دارد؛ اگر دلیل انجام عمل یا فعالیتی بر این اساس باشد که فرد احساس کند باید این فعالیت را انجام دهد و انجام ندادن آن باعث احساس گناه و ترس می‌شود، در سطح تنظیم درون‌فکنی عمل کرده است. سومین نوع انگیزش بیرونی، تنظیم همانندشده^۶ است. در این طیف، انگیزش بیرونی بیش‌تر به سمت درونی شدن تغییر یافته است. رفتارهایی که بدین صورت درونی می‌شوند آن‌هایی هستند که فرد هشیارانه به آن ارزش قائل شده‌اند و علاقه‌ی شخصی را در آن دخیل می‌دانند. در نهایت درونی‌ترین نوع انگیزش بیرونی، تنظیم یکپارچه^۷ است. در این نوع انگیزش فرد فعالیت را کاملاً درون خود جذب می‌نماید. گرچه تنظیم یکپارچه خیلی به انگیزه‌ی درونی شبیه است ولی از آن‌جا که هم‌چنان برای رسیدن به یک پیامد یا ارزش ابزاری اقدام به عمل می‌کند، انگیزش بیرونی محسوب می‌شود. آخرین طیف انگیزش و خودتعیینی‌ترین نوع آن انگیزش درونی است. انگیزش درونی تمایل ذاتی برای اکتشاف، یادگیری و گسترش توانایی‌ها و جستجوی پدیده‌های نو و چالش برانگیز است که از نیاز ارگانیزم به شایستگی و خودتعیینی نشأت می‌گیرد (ریان و دسی، ۲۰۰۱، به نقل از البرزی و رضویه، ۱۳۹۰). شایان ذکر است که بر مبنای حوزه‌ی موضوعی، انگیزش محتوای متفاوتی نیز به خود می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین آن‌ها، حوزه‌ی تحصیلی است،

-
- 1-Amotivation
 - 2- Extrinsic motivation
 - 3- Intrinsic motivation
 - 4- External regulation
 - 5-Introjected regulation
 - 6-Identified regulation
 - 7- Integrated regulation

که بر این اساس انگیزش تحصیلی نام‌گذاری شده است. در پژوهش حاضر نیز تمرکز بر این حوزه بوده است.

نتایج پژوهش‌های متعدد حاکی از آن است که بافت حمایت‌کننده‌ی خانواده و مدرسه اثر مثبت بر انگیزش افراد دارد (دسی و ریان، ۲۰۰۸؛ دسی و همکاران، ۲۰۰۱ و آرنلیو، هکسها و لیریدونا^۱، ۲۰۱۴). پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده‌اند که انگیزش درونی اثر مثبت بر خلاقیت افراد دارد (آماییل، ۱۹۷۹، ۱۹۸۳، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۱؛ شلدون و بتنکورت^۲، ۲۰۰۲؛ کافمن و استرنبرگ، ۲۰۱۰؛ البرزی، جوکار و خیر، ۱۳۸۹ و البرزی و خیر، ۱۳۸۸)

با توجه به نظریه‌ی دسی و ریان (۲۰۰۸) که بیان می‌کنند بافت حمایت‌گر و ساختارمند منجر به افزایش انگیزش درونی و عملکرد بهینه می‌شود هم‌چنین با توجه به این‌که خلاقیت می‌تواند یکی از عملکردهای بهینه‌ی انسان باشد با عنایت به مدل آماییل (۱۹۹۶ و ۲۰۰۱) و نقش انگیزه در بروز خلاقیت در پژوهش حاضر انگیزش به‌عنوان متغیر واسطه بین الگوی ارتباطی خانواده و خلاقیت قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر در پی آزمودن رابطه‌ی الگوی ارتباطی خانواده، انگیزش با نگرش نسبت به خلاقیت است که مدل مفهومی آن در ذیل آمده است. در این مدل الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) متغیر برون‌زاد، انگیزش در ارتباط با تحصیل به‌عنوان متغیر واسطه و در نهایت نگرش نسبت به خلاقیت به‌عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شده است (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱- رابطه‌ی بین الگوی ارتباطی خانواده، انگیزش و خلاقیت

فرضیه‌های اساسی پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) پیش‌بینی‌کننده‌ی نگرش نسبت به خلاقیت است.
- ۲- الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) پیش‌بینی‌کننده‌ی باورهای انگیزشی است.
- ۳- الگوهای ارتباطی خانواده (گفت‌وشنود و همنوایی) با واسطه‌گری انگیزش تحصیلی پیش‌بینی‌کننده‌ی نگرش نسبت به خلاقیت است.

پژوهش حاضر سهمی اساسی در بدنه‌ی دانش راجع به خلاقیت دارد که می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اول این‌که می‌توان بیان نمود که در پژوهش‌های قبلی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و تعاملاتی که میان والدین و فرزندان صورت می‌گیرد و سهم آن در رشد خلاقیت نادیده گرفته شده بود که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد. دوم و مهم‌تر این‌که در پژوهش حاضر برای اولین بار این چیدمان متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهد که این نیز یکی از خصوصیات بارز این پژوهش می‌باشد. در نهایت با توجه به مباحث مطرح شده، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده بر نگرش نسبت به خلاقیت با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی می‌باشد.

روش پژوهش

شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر الیگودرز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند، و تعداد کل آن‌ها بر اساس گزارش سازمان آموزش و پرورش شهر الیگودرز ۶۵۰۰ نفر بوده است. بر اساس جدول مورگان ۳۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای، به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شدند. روش کار به این صورت بود که، به‌صورت تصادفی از دبیرستان‌های شهر الیگودرز، چهار دبیرستان (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. از هر مدرسه چهار کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و تمام اعضای کلاس به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که ۲۲ پرسش‌نامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند. بنابراین در مجموع ۳۲۸ دانش‌آموز (۱۴۵ پسر، ۱۸۳ دختر) به‌عنوان نمونه‌ی آماری در پژوهش حاضر شرکت داشتند.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر از ۳ ابزار استفاده شد که در ادامه به معرفی آن‌ها پرداخته شده است.

۱- مقیاس الگوی ارتباطی خانواده (FCPS)^۱: به منظور اندازه‌گیری الگوهای ارتباطی خانواده از مقیاس خودگزارشی الگوی ارتباطات خانواده فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) استفاده گردید. مقیاس مذکور شامل ۲۶ گزاره می‌باشد که دو بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی را می‌سنجد. بدین صورت که ۱۵ گزاره‌ی اول مربوط به بعد گفت‌و شنود و ۱۱ گزاره‌ی بعدی مربوط به بعد همنوایی می‌باشد. کورش‌نیا (۱۳۸۵) برای بررسی روایی این آزمون با استفاده

1- Family communication patterns scale

از روش‌های تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی قابل قبول را گزارش نموده است. هم‌چنین در پژوهش حاضر ضریب همبستگی گویه‌ها با نمره‌ی کل دامنه ضرایب ۰/۴۴ تا ۰/۷۵ را نشان می‌داد که این مسأله بیانگر روایی این مقیاس است. کورشنیا (۱۳۸۵) پایایی این ابزار را به روش ضریب آلفای کرونباخ برای بعد گفت‌و شنود ۰/۸۷ و برای بعد همنوایی ۰/۸۱ به دست آورده است. پایایی این آزمون در پژوهش حاضر، با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آمد. برای دو عامل، جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری همنوایی، به ترتیب ضرایب: ۰/۷۰، ۰/۸۰ به دست آمده است.

۲- مقیاس انگیزش موقعیتی^۱ (SMS): برای ارزیابی انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان از مقیاس خودگزارشی گی^۲، والرند و بلانچارد (۲۰۰۰) که بر اساس نظریه‌ی دسی و ریان (۱۹۸۵) ایجاد شده، استفاده شد. این مقیاس ۱۵ سؤالی است که به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم طراحی شده است. مقیاس حاضر بر اساس پیوستار انگیزش دسی و ریان (۱۹۸۵) چهار بعد بی‌انگیزشی، تنظیم بیرونی، تنظیم همانندشده و انگیزش درونی را اندازه‌گیری می‌کند. گی و همکاران (۲۰۰۰) در پنج مطالعه‌ی مجزا با استفاده از تحلیل عاملی نسبت به روایی این مقیاس اهتمام ورزیده‌اند که در همه‌ی مطالعات وجود ۴ بعد انگیزش تأیید گردیده است؛ آن‌ها هم‌چنین ضرایب پایایی را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۵ گزارش داده‌اند هم‌چنین در ایران ملتفت (۱۳۹۰) با استفاده از روش تحلیل عاملی وجود ۴ بعد، بی‌انگیزشی، تنظیم بیرونی، تنظیم همانندشده و انگیزش درونی را تأیید کرد و دامنه بار عاملی را از ۰/۳۴ تا ۰/۸۰ به دست آورده است. در پژوهش حاضر نیز برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ی انگیزش تحصیلی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای عامل، بی‌انگیزشی، انگیزش درونی، تنظیم همانندشده و انگیزش بیرونی به ترتیب، ضرایب: ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۳ و ۰/۶۹ به دست آمد. که این ضرایب حاکی از قابل قبول بودن پایایی آزمون می‌باشد.

۳- مقیاس ارزیابی خلاقیت^۳ (CAS): مقیاس ارزیابی خلاقیت توسط شیفر (۱۹۹۱) برای سنجش نگرش فرد به خلاقیت طراحی شده است. این مقیاس شامل ۳۲ گزاره است که هر دانش‌آموزی موافقت یا مخالفت خود را با هر گزاره با جواب بله یا خیر تعیین می‌کند. برآورد همسانی درونی برای این مقیاس از طریق ضریب پایایی دو نیمه کردن (با روش فرد و زوج) برای دو گروه از کودکان پایه‌ی پنجم به روش اسپیرمن براون محاسبه شد. ضرایب محاسبه شده برای گروه اول (N = ۳۱) برابر ۰/۸۱ و برای گروه دوم (N = ۶۷) برابر ۰/۷۵ بود (شیفر، ۱۹۹۱). در

1- Situational motivational scale
2-Guay
3- Creativity assessment Scale

پژوهش حاضر برای تعیین روایی از همبستگی گویه‌ها با نمره کل استفاده گردید که ضرایب همبستگی از دامنه ۰/۴۳ تا ۰/۷۲ بوده است. البته چهار سؤال به دلیل همبستگی پایین حذف گردید. هم‌چنین برای تعیین پایایی این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد که این ضریب نشانگر پایا بودن مقیاس مذکور است.

یافته‌ها

نتایج داده‌ها در دو قسمت عمده ارائه شده است. در قسمت اول یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ماتریس همبستگی آورده شده است در قسمت دوم نتایج حاصل از تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل آورده شده که در ادامه نمودار مسیر نیز آمده است.

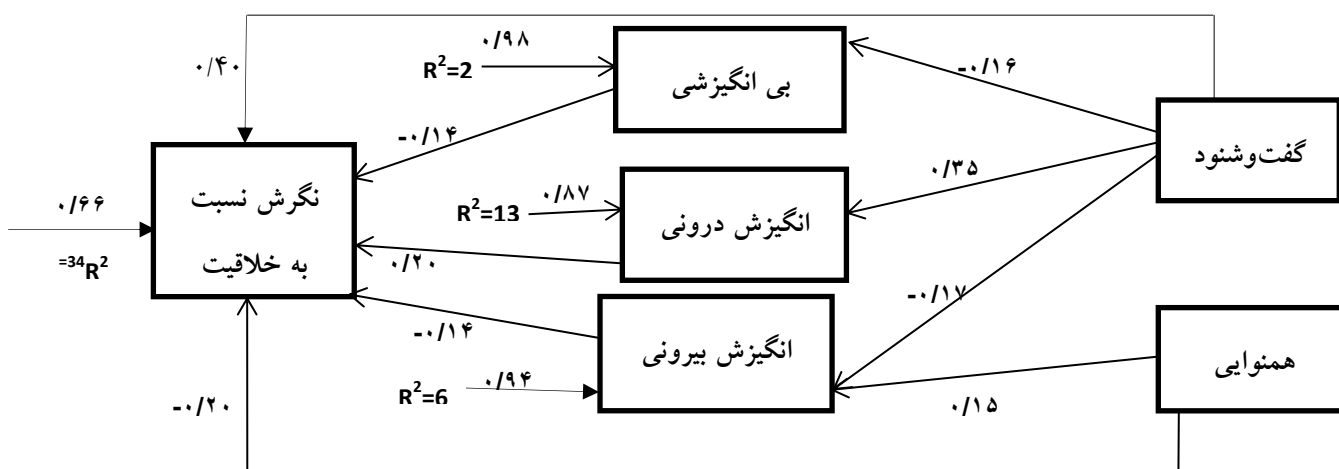
شاخص توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها: با توجه به این امر که ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل رگرسیون و مدل‌های علی است، ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش همراه با شاخص‌های توصیفی آن‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- بی‌انگیزشی	۱						
۲- انگیزش درونی	-۰/۴	۱					
۳- انگیزش بیرونی	۰/۳۵*	۰/۵۰	۱				
۴- تنظیم همانندشده	۰/۲۱*	۰/۵۶*	۰/۲۷*	۱			
۵- گفت و شنود	-۰/۱۶*	۰/۳۶*	-۰/۲۱*	۰/۲۷*	۱		
۶- همنوایی	۰/۳	-۰/۱۴*	۰/۲۱*	-۰/۴	-۰/۲۸*	۱	
۷- نگرش نسبت به خلاقیت	-۰/۲۷*	۰/۳۴	-۰/۳۱*	۰/۱۳*	۰/۵۷*	-۰/۳۷*	۱
میانگین	۱۳/۰۶	۱۴/۹۸	۱۰/۸۸	۱۷/۲۱	۴۴/۳۶	۴۰/۱۶	۲۲/۶۰
انحراف معیار	۲/۹۵	۳/۹۷	۲/۸۱	۲/۶۵	۱۲/۹۲	۵/۶۱	۳/۷۷

P<./۰۱

نتایج جدول ۱ علاوه بر داشتن شاخص توصیفی میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، ضرایب همبستگی متقابل را نیز نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، دامنه‌ی همبستگی نگرش نسبت به خلاقیت با متغیرهای پژوهش از ۰/۱۳ تا ۰/۵۷ می‌باشد. با توجه به این‌که هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای انگیزش تحصیلی در رابطه‌ی میان الگوی ارتباطی خانواده و نگرش نسبت به خلاقیت می‌باشد. نمودار مسیر در ذیل آورده شده است. در این مدل، متغیرهایی که معنادار نبوده‌اند و ضریب آن‌ها کم‌تر از ۱۰ درصد بودند، بنا به پیشنهاد گریم و یارنولد (۲۰۰۲) حذف شده است.



نمودار ۲- مدل نهایی پژوهش

به منظور برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲- مشخصه‌های برازش مدل

شاخص‌ها	CFI	NFI	GFI	AGFI	RMSEA
ضرایب	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۰۵

با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۲ مدل مذکور از سطح برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. در ادامه در جدول ۳ ضرایب، اثر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش، همراه با سطح معناداری آن‌ها آورده شده است. ذکر این نکته لازم است که قبل از انجام تحلیل مسیر نرمال بودن توزیع با استفاده از شاخص چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت که این پیش فرض برقرار بود.

بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زاد بر نگرش نسبت به خلاقیت به منظور بررسی نقش واسطه‌ای انگیزش تحصیلی جدول زیر اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زاد بر نگرش نسبت به خلاقیت آمده است.

جدول ۳- ضرایب و سطح معناداری متغیرها به همراه واریانس تبیین شده

واریانس تبیین شده	P	T	B	مسیرهای مستقیم	
	۰/۰۰۱	۷/۸۳	*۰/۴۰	خلاقیت	گفت‌وشنود به
	۰/۰۰۱	-۴/۲۷	*-۰/۲۰	خلاقیت	همنوایی به
	۰/۰۰۴	-۲/۸۹	*-۰/۱۴	خلاقیت	بی‌انگیزگی به
۳۴	۰/۰۰۱	۳/۶۲	*۰/۲۰	خلاقیت	انگیزش درونی به
	۰/۰۰۶	-۲/۷۶	*-۰/۱۴	خلاقیت	انگیزش بیرونی به
	۰/۰۵۸	-۰/۵۴	۰/۰۳	خلاقیت	تنظیم همانند شده به
۲/۵	۰/۰۰۶	-۲/۷۸	-۰/۱۶	بی‌انگیزگی	گفت‌وشنود به
	۰/۰۹۸	۰/۰۲	۰/۰۱	بی‌انگیزگی	همنوایی به
	۰/۰۰۳	-۲/۹۷	-۰/۱۷	انگیزش بیرونی	گفت‌وشنود به
۶	۰/۰۰۸	۲/۷	۰/۱۵	انگیزش بیرونی	همنوایی به
۷	۰/۰۰۱	۴/۹۸	۰/۲۸	نظم همانند شده	گفت‌وشنود به
	۰/۰۵۹	۰/۵۲	۰/۰۳	نظم همانند شده	همنوایی به
۱۳	۰/۰۰۱	۶/۳	۰/۳۵	انگیزش درونی	گفت‌وشنود به
	۰/۴۴	۰/۷۶	-۰/۰۴	انگیزش درونی	همنوایی به
	۰/۰۰۲	۳/۴	۰/۱۲	تأثیر غیرمستقیم گفت‌وشنود بر خلاقیت	
	۰/۳۲	۰/۸۹	۰/۰۲	تأثیر غیرمستقیم همنوایی بر خلاقیت	

$P < ۰/۰۰۱^*$

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد در مجموع ۳۴ درصد واریانس خلاقیت توسط متغیرهای پژوهش تبیین می‌شود. بدین صورت که گفت‌وشنود با بتای ۰/۴۰ به صورت مثبت اثر مستقیم بر نگرش نسبت به خلاقیت دارد؛ و همنوایی با بتای ۰/۲۰- به صورت منفی اثر مستقیم بر نگرش نسبت به خلاقیت دارد. انگیزش درونی با بتای ۰/۲۰ اثر مستقیم و مثبت روی نگرش نسبت به خلاقیت داشته است. انگیزش بیرونی و بی‌انگیزگی با بتای ۰/۱۴- اثر منفی و مستقیم روی خلاقیت داشته‌اند. اثر غیرمستقیم گفت‌وشنود ۰/۱۲ و همنوایی ۰/۰۲ است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین الگوهای ارتباطی خانواده و نگرش نسبت به خلاقیت با توجه به نقش واسطه‌ای انگیزش تحصیلی انجام گرفته است. بدین منظور با توجه به رویکرد آمابیل (۱۹۹۶ و ۲۰۰۱) و پیشینه‌ی پژوهشی یک مدل مفهومی پیشنهاد و با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که بعد گفت‌وشنود و انگیزش

درونی به صورت مثبت و بعد هم‌نوایی به همراه بی‌انگیزشی و انگیزش بیرونی به صورت منفی پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار نگرش نسبت به خلاقیت بودند. در ارتباط با رابطه‌ی مثبت جهت‌گیری گفت‌وشنود و خلاقیت می‌توان بیان نمود نتایج این پژوهش با پژوهش‌های گرالنیک (۲۰۰۹)، حاجی‌زاده و همکاران (۲۰۱۲)، میچل و ایوانس (۲۰۰۲) و صبری، البرزی و بهرامی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود در خانواده‌هایی که روابطشان بر مبنای شنیدن همه‌ی عقاید و نظرات ولو مخالف باشد، در چنین خانواده‌هایی است که فضا برای رشد خلاقیت مهیاتر می‌شود؛ زیرا فرد بدون دغدغه و اضطراب می‌تواند در خصوص یک موضوع نظرات خود را هر چند اشتباه بیان کند و در این صورت است که با مطرح شدن نظرات متفاوت و گوناگون در این بین بالاخره فرد راه حل صحیح را پیدا می‌کند. پرواضح است که در خانواده‌هایی که مبنای روابط بر شنیدن نظرات و عقاید متفاوت است؛ می‌توان شاهد رشد و بروز خلاقیت در افراد بود. روان‌شناسان انسان‌گرا معتقدند که برای رشد خلاقیت، باید با ایجاد شرایط بیرونی، از جمله آزادی و امنیت روانی، امکان ظهور و بروز توانایی بالقوه افراد را فراهم ساخت. بر این اساس مشخص است که خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌وشنود که فرزندان خود را بر اساس ارتباط مکرر، ارزش‌های متنوع و اصل انتخاب آزاد آموزش می‌دهند و اجتماعی بار می‌آورند، منجر به بروز توانایی‌های بالقوه فرد و به تبع آن رشد خلاقیت در فرزندان خود می‌شوند. در واقع تشویق حس مسؤلیت‌پذیری، اهمیت دادن به نیازهای کودک، ارتباط دوطرفه‌ی گرم، توجه همراه با احترام به کودک، خودگردانی، استقلال، احترام به علایق، عقاید و انتخاب‌های کودک، در جهت رشد اعتمادبه‌نفس که با خصوصیات افراد خلاق همسویی دارد، از زمینه‌های مناسب برای ظهور و رشد خلاقیت می‌باشد (ملتفت، ۱۳۹۰ و البرزی و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در چنین خانواده‌هایی زمینه برای رشد خلاقیت وجود دارد.

در تبیین رابطه‌ی منفی جهت‌گیری هم‌نوایی با نگرش نسبت به خلاقیت، می‌توان گفت در خانواده‌هایی که هم‌نوایی بالا است از فرزندان انتظار دارند که طبق نظر سایرین عمل کنند. هم‌چنین در این خانواده‌ها اعتقاد بر این است که برنامه‌ی شخصی باید هماهنگ با دیگر اعضای خانواده باشد و والدین برای دیگر اعضا تصمیم‌گیری می‌کنند. (فیتزپاتریک و کوثرنر، ۲۰۰۴). در نتیجه در چنین فضایی، نمی‌توان انتظار رشد و پرورش خلاقیت را داشت، زیرا برای رشد خلاقیت، حس پیروی از استقلال رأی و خودمختاری از ضروریات می‌باشد.

در مجموع، بر اساس نظریه‌ی دسی و ریان (۲۰۰۰)، زمانی که والدین رفتارهای مستقلانه را در کودکان تشویق می‌کنند، سه نیاز اساسی وابستگی، خوداستقلال و شایستگی را در آن‌ها ارضاء می‌کنند. بر این اساس هرگاه کودکان بدانند و احساس کنند که قادر هستند با حفظ تمایلات تعلق

و وابستگی خود به خانواده، می‌تواند رفتارهای مستقلانه و مسئولانه‌ای را انجام دهند، این احساس در آن‌ها افزایش می‌یابد و این به پیشرفت در رفتارهای خلاقانه آن‌ها منجر می‌شود. هم‌چنین دیگر نتایج نشان داد که انگیزش افراد تحت تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده قرار دارد، بدین صورت که جهت‌گیری گفت‌و شنود طیف درونی انگیزش را به صورت مثبت و طیف انگیزش بیرونی را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین جهت‌گیری هم‌نواپی برخلاف جهت‌گیری گفت‌و شنود، طیف درونی انگیزش را به صورت منفی و طیف انگیزش بیرونی را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های گنزالز و همکاران (۲۰۰۲)؛ ریان و دسی (۲۰۰۶)؛ چن (۲۰۱۴)؛ ملتفت (۱۳۹۰)، سالاری، کارشکی و عبدخدایی (۱۳۹۲) همسویی دارد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان نمود افرادی که در خانواده، نمی‌توانند عقاید خود را به راحتی ابراز کنند و بیش‌تر برای یکرنگ شدن در ارزش‌ها و باورها تشویق شده‌اند و لذا بر طبق نظریه‌ی دسی و ریان (۲۰۰۸) جهت‌گیری انگیزشی آن‌ها بیش‌تر بیرونی است. زیرا در این نوع انگیزش، رفتارهایی که به صورت بیرونی تنظیم شده‌اند، برای به دست آوردن پاداش یا برآورده ساختن خواسته‌ای بیرونی، انجام می‌شوند. پس واضح است که فرد فقط برای کسب پاداش و تأیید شدن از سوی خانواده است، که تلاش می‌کند و نتایج پژوهش هم این موضوع را تأیید می‌کند. وقتی افراد به صورت درونی با انگیزه هستند، به خاطر علاقه، احساس چالشی که فعالیت خاصی ایجاد می‌کند، و به خاطر لذتی که از آن می‌برند، رفتار می‌کنند. این رفتار به صورت خودانگیزخته، روی می‌دهد. انگیزش درونی از احساس شایسته بودن و خودمختار بودن در حین انجام دادن یک فعالیت، حاصل می‌شود. پس با توجه به ویژگی‌های این دو نوع انگیزش کاملاً مشخص است که، اعضای خانواده‌هایی که به صورت متقابل با هم در تعامل هستند و به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و والدین از خودمختاری و رفتارهای مستقلانه اعضا حمایت می‌کنند، زمینه‌ساز حرکت فرزندان به سمت سطوح بالای انگیزش را فراهم می‌کنند. در صورتی که در خانواده‌های با الگوی ارتباطی هم‌نواپی، این گرایش به سوی انگیزش درونی جود ندارد، زیرا در این الگو اساس روابط بر مبنای هم‌شکل و هم‌فکر بودن است.

در مجموع بر اساس نظریه‌ی خودتعیینی، گرچه توجه و مراقبت والدین از ضروریات روابط اجتماعی با فرزندان است، ولی زمانی که والدین از شیوه‌های کنترلی در روابط خود با فرزندان استفاده می‌کنند، به ارضاء نیازهای آنان به‌ویژه نیاز به شایستگی و خوداستقلالی آسیب می‌رسانند و موجب شکل‌گیری باورهای انگیزشی بیرونی و کسب پیامدهای منفی می‌گردند. ولی زمانی که روابط اجتماعی والدین با فرزندان بر مبنای تأیید رفتارهای مستقلانه در فرزندان باشد، ارضاء نیازهای اساسی تسهیل می‌شود و باورهای انگیزشی درونی و پیامدهای مثبت رفتاری به دست

می‌آید. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان بیان نمود که نتایج این پژوهش، به‌خوبی با نظریه‌ی خودتعیین‌گری ریان و دسی (۲۰۰۶) و نظریه‌ی سرمایه‌گذاری خلاقیت استرنبرگ سازگار است. در واقع نتایج این پژوهش، الگوی یکپارچه‌ای از تأثیر گفت‌و شنود و انگیزش بر نگرش نسبت به خلاقیت ارائه می‌دهد.

با نگاهی به مدل نهایی می‌توان دریافت که انگیزش تحصیلی توانسته نقش واسطه‌ای بین الگوهای ارتباطی خانواده و نگرش نسبت به خلاقیت ایفا کند؛ بدین صورت که هم‌نواپی با افزایش انگیزش بیرونی منجر به کاهش خلاقیت می‌شود و گفت‌و شنود با افزایش انگیزه‌ی درونی منجر به افزایش خلاقیت می‌شود و با کاهش بی‌انگیزشی منجر به افزایش خلاقیت می‌شود. این نتیجه که انگیزش درونی به‌صورت مثبت و بی‌انگیزگی و انگیزش بیرونی به‌صورت منفی با خلاقیت در ارتباط است با یافته‌های آمابیل (۱۹۹۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۵ و ۲۰۰۱)، شیخ‌الاسلامی و رضویه (۱۳۸۴)، البرزی و رضویه (۱۳۹۰)، به‌پژوه، افروز، ساداتی و ملتفت (۱۳۸۹) که رابطه‌ی انگیزش درونی و خلاقیت را نشان داده‌اند همسو می‌باشد.

هم‌چنین نتایج این پژوهش را می‌توان همسو با نظر آمابیل (۱۹۹۶) دانست چراکه بر اساس نظر آمابیل انگیزش مهم‌ترین بعد از خلاقیت است که تحت تأثیر عوامل محیطی شکل می‌گیرد به گونه‌ای که فشارهای ناشی از محیط بیرون، از جمله: پاداش، رقابت و ارزیابی به انگیزه‌ی درونی صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. وی رابطه‌ی بین خلاقیت و انگیزش را با " اصل انگیزش درونی " تبیین می‌کند. خلاقیت هم به‌عنوان صفتی پایدار و هم ویژگی موقت توصیف می‌شود، یعنی ممکن است فردی به فعالیت‌های ویژه‌ای علاقه داشته باشد ولی میزان این علاقه تحت تأثیر عامل‌های محیطی و اجتماعی است. برای توضیح اثر واسطه‌ای انگیزش تحصیلی، می‌توان به نظریه‌ی خودتعیین‌گری ریان و دسی (۲۰۰۶ الف و ۲۰۰۶ ب) اشاره کرد، زمانی که روابط اجتماعی والدین با فرزندان بر مبنای تأیید رفتارهای مستقلانه در فرزندان باشد، ارضاء نیازهای اساسی آن‌ها تسهیل می‌شود و باورهای انگیزشی درونی و پیامدهای مثبت رفتاری به‌دست می‌آید، و زمانی که انگیزش درونی در کودکان نمود پیدا کند، به‌طبع بر اساس نظریه‌ی آمابیل، می‌توان شاهد بروز خلاقیت در افراد بود. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که انگیزش درونی از ویژگی‌های اساسی است که افراد خلاق از آن برخوردارند. اثر مثبت انگیزش درونی بر خلاقیت منطقی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا زمانی که افراد فعالیت‌های خود را بر اساس میل باطنی و علائق خود انتخاب می‌کنند، مشخص است که بر آن فعالیت‌ها تمرکز بیش‌تری دارند و پشتکار بیش‌تری برای انجام آن از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این افرادی که دارای انگیزش درونی هستند، بیش‌تر به قضاوت‌های درونی خود متکی هستند تا انجام یک فعالیت برای خوشایندی دیگران؛ و همین

موجب می‌شود که توجه خود را بیش‌تر به فعالیت معطوف کنند. این توجه متمرکز بر فعالیت معمولاً به نوآوری و خلاقیت در زمینه‌ی مورد نظر می‌انجامد. در مجموع می‌توان گفت که الگوی ارتباطی خانواده در رابطه‌اش به خلاقیت از مسیر انگیزش می‌گذرد. به این معنی که الگوهای ارتباطی خانواده سطح انگیزش افراد را تعیین می‌کنند؛ و میزان انگیزش افراد در تعیین میزان خلاقیت آن‌ها تأثیرگذار است. با توجه به نتایج پژوهش‌ها می‌توان به معلمان، والدین در خصوص تعلیم و تربیت پیشنهادهای ارزشمندی ارائه داد. از جمله این‌که، والدین از شیوه‌ی گفت‌وشنود در تربیت فرزندان خود استفاده کنند. بنابراین ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای والدین می‌تواند مؤثر باشد. به منظور ارتقاء خلاقیت و شکل‌گیری خلاقیت، فراهم کردن زمینه‌ی تجربه‌ی انگیزش درونی برای دانش‌آموزان به‌وسیله‌ی رفتارهایی از جمله، فراهم کردن فرصت انتخاب، تأکید کم‌تر به رفتار کنترلی و تأکید بر فرآیند تدریس و تشویق تلاش‌مداری به‌جای نمره‌مداری می‌تواند مؤثر باشد. با توجه به اهمیت گفت‌وشنود، آموزش والدین و حتی مربیان برای فراهم کردن زمینه‌ی گفت‌وشنود می‌تواند سودمند باشد و لذا بهتر است در خانه و حتی مدرسه احترام متقابل به افراد حاکم باشد، تا افراد (فرزندان) بتوانند بدون نگرانی از احتمال مسخره شدن یا تهدید، پرسش‌های خود را بپرسند و در بحث‌ها شرکت کنند. والدین بایستی از کنترل خود بکاهند و برای فرزندان‌شان آزادی عمل فراهم کنند. با توجه به نقش انگیزش می‌توان به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت توصیه کرد که فرصت انتخاب، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و کاهش رقابت را در کلاس درس فراهم آورند؛ که این مسأله تأثیرات مثبت بر انگیزش و خلاقیت ایفا می‌نماید. در نهایت در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش می‌توان گفت با توجه به دامنه‌ی محدود مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر سنی و جغرافیایی، لازم است در تعمیم نتایج به سایر مناطق و گروه‌های سنی، جانب احتیاط را رعایت نمود.

منابع

الف. فارسی

- البرزی، محبوبه، جوکار، بهرام و خیر، محمد. (۱۳۸۹). تأثیر ادراک از والدین و معلمان بر خلاقیت کودکان با توجه به باورهای انگیزشی آنان. *مجله‌ی روان‌شناسی*، ۱۴(۲)، ۱۸۱-۱۶۱.
- البرزی، محبوبه و رضویه، اصغر. (۱۳۹۰). تأثیر انگیزش بیرونی بر خلاقیت کودکان. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۳، ۲، ۵۷-۶۶.
- البرزی، محبوبه و خیر، محمد. (۱۳۸۸). ارتباط بین سبک‌های تعاملی معلمان با خودپنداری دانش‌آموزان. *دوفصلنامه‌ی دانشگاه شاهد*، ۱۸(۱)، ۵۳-۶۶.

به‌پژوه، احمد، افروز، غلامعلی، ساداتی، سمیه و ملتفت، قوام. (۱۳۸۹). رابطه‌ی ابعاد جهت‌گیری هدفی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستان شاغل به تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان. *مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری*، ۲، ۱، ۴۹-۶۷.

سالاری، مریم، کارشکی، حسین و عبدخدایی، محمدسعید. (۱۳۹۲). نقش ادراک والدینی و انگیزش تحصیلی در گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان. *مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری*، ۵، ۴۷-۱، ۶۴.

شیخ‌الاسلامی، راضیه و رضویه، اصغر. (۱۳۸۴). پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزش بیرونی و درونی و جنسیت. *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۲، ۴.

صبری، مصطفی، البرزی، محبوبه و بهرامی، محمود. (۱۳۹۱). رابطه‌ی بین الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، ۲، ۳۵-۶۳.

کوروش‌نیا، مریم. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

ملتفت، قوام. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین ادراک والدین، معلمان و همسالان با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری باورهای انگیزش. رساله‌ی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.

ب. انگلیسی

- Amabile, T. M. (1996). *Creativity in context*. Westview Press, Boulder, CO.
- Amabile, T. M. (1979). Effects of External evaluation on artistic creativity. *Journal of Personality on Social Psychology*, 37, 2, 221-233.
- Amabile, T. M. (1983). The social psychology of creativity: a componential conceptualization. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45, (2): 357-376.
- Amabile, T. M. (1985). Motivational and creativity: Effects of motivational orientation on creative writers. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 393-399.
- Amabile, T. M. (2001). Beyond Talent: John Irving and the Passionate Carafe of Creativity. *American Psychologist*, 56, 4, 333-336.
- Arënliu, A., Hoxha, L. & Liridona, B. (2014). Parenting styles and intrinsic motivation among high school students- do parenting styles influence motivation orientation of high school students, International Academic Conference, Istanbul, 9, 40-50.
- Chen, W. (2014). The relation between perceived parenting styles and academic achievement in Hong Kong: the mediating role of students goal orientation. *Journal of personality and individual difference*, 45, 3, 11-28.
- Davies, T. (2006). Creative teaching and learning and learning in Europe: Promoting a new paradigm, *Curriculum journal*, 17, 1, 37-57.
- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268.

- Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2008). Facilitating optimal motivation and psychological well-being across life's domains. *Canadian Psychology*, 49(1), 14-23.
- Deci, E. L., Ryan, R. M., Gagné, M., Leone, D. R., Usunov, J. & Kornazheva, B. P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former Eastern Bloc country. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 930-942.
- Deci, E. & Ryan, R. M. (1985). The general causality orientation scale: self-determination in personality. *Journal of research in personality*, 19(3), 109-134.
- Fitzpatrick, M. A. & Koener, A. F. (2004). *Family communication schema effect on children's resiliency running head: family communication schemata, the evolution of key mass communication concepts: honoring Jack M. McLeod*, 115-139.
- Fitzpatrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Gay, F., Vallerand, R. & Blanchard, C. (2000). On The Assessment of Situation Intrinsic and Extrinsic Motivation: The Situational Motivation Scale (SIMS). *Motivation and Emotion*, 24, 3, 173-213.
- Gonzalez, A., Holbein, M. & Quilter, S. (2002). High school students' goal orientations and their relationship to perceived parenting styles. *Contemporary Educational Psychology*, 27, 450-470.
- Grolnick, W. S. (2009). The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *Theory and Research in Education*, 7, 164-173.
- Hajizadeh, H., Refahi, Z.H., Tabatabaie, F. & Haghghi, H. (2012). Relationship between Family Communication Patterns with Creativity and the Sense of Competence of the Pre-university Male Students in Bandar Abbas. *Journal of Life Science and Biomedicine*, 2, 260-266.
- Kagawa, N. (2008). *Influence of family communication pattern on adolescents self-discrepancies and associated emotional and behavioral consequence*, A dissertation submitted to the faculty of the graduate school of the university of Minnesota.
- Kaufman, J. C. & Sternberg, R. J. (2010). *The Cambridge handbook of creativity* (Eds), New York: Cambridge university press.
- Kazbelt, A., Beghetto, R. A. & Runco, M. A. (2010). Theories of creativity. In J.C. Kaufman, R.J. Sternberg (Eds), *The Cambridge handbook of creativity*, 20-47, New York: Cambridge University press.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication pattern and social support in families of origin and adult children subsequent intimate relationships. *International Association for Relation Research*, 14, 66-89.
- Koerner, A. F. & Maki, L. (2004). Family Communication pattern & social support in families of origin & adult children subsequent intimate relationships, *Paper presented at the International Association for Relationship Research Conference, Madison*. 22-25.
- Mitchell, G. & Ewans, G. V. (2002). The potential role of the physical environment in fostering creativity. *Journal of Great Research*, 14, 3, 84-92.
- Runco, M. A. & Albert, R. S. (2010). Creativity research: A historical view. In J.C. Kaufman, R.J. Sternberg (Eds), *The Cambridge handbook of creativity*, 3-20, New York: Cambridge University press.
- Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2008). A self-determination theory approach to psychotherapy: The motivational basis for effective change. *Canadian Psychology*, 49, 186-193.
- Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2006a). Self-regulation and the problem of human autonomy: Does psychology need choice, self-determination, and will? *Journal of Personality*, 74(6), 1557-1582.

- Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2006b). Living well: A self-determination theory perspective on eudemonia. *Journal of Happiness Studies*, 9, 139-170.
- Schaeffer, G. I. (1991). *The creative attitude survey*. Jacksonville, I.L. psychology and educator. *INC*.
- Sheldon, K. & Bettencourt, A. B. (2002). Psychological need-satisfaction and subjective well-being within social groups. *British Journal of Social Psychology*, 41(1), 25-38
- Steinberg, L., Lamborn, S. D. & Darling, N. (1991). Impact of school parenting practices on adolescent achievement: Authoritative parenting, involvement, and encouragement to succeed. *Child Development*, 63.1266-1281.
- Steinberg, R. J. & Lubart, T. I. (1993). Investing in creativity. *psychological inquiry*, 4(3), 229-232.
- Steinberg, R. J. & Lubart, T. I. (1996). Investing in creativity. *American psychologist*, 51, 677-688.

Extended Abstract

Testing a Model of Family Communication Pattern and Attitude toward Creativity with Regard to the Mediating Role of Academic Motivation

Ghavam Moltafet¹ Somayeh Sadati Firoozabadi² Hamideh Adavi³

Introduction

In psychological literature there are many definitions of creativity, some definitions focus on products of creativity and others emphasize the process of creativity. Nevertheless, the productions of an idea that are novel and appropriate are usually accepted as a core characteristic of creativity. In the case of factors associated with creativity, studies have shown that family, community, attitudes, personality, motivation etc. have an impact on creativity or attitude toward it. According to some research warm and eager parents that make fixed boundaries, promote creativity in children. It is known that family is the strongest variable that influence creativity. Dimensions of family communication patterns are one of the important structures in family psychology that effect the creativity among children. Family communication patterns have two dimensions namely dialogue and confirmatory dimensions. In the case of family communication patterns and creativity, researches confirmed that dialogue dimension is the positive predictor and conformity is the negative predictor of creativity. In addition, research findings showed that self-determination especially intrinsic motivation is an important variable that have an effect on creativity. Deci and Ryan (2000) and Amabile (1996, 2001) believed that contextual variables and autonomous motivation are also very important to nurture creativity. The context that we live in is important variable. Parents are one of the important contextual factors to creativity. Parents can provide autonomy support, structure, and involvement. Autonomy support from parents refers to parents providing rationale, giving choices, and acknowledging children feelings during childhood (Baard et al., 2004). The researchers showed that dialogue in family affects the intrinsic motivation and consequently affects creativity. Although the previous studies have strongly confirmed the positive relationships of family variables and creativity, they did not clearly mention the mechanism of these relationships. The present study aimed to expand the previous research regarding the relationship between contextual factors, academic motivation and attitude toward creativity. In particular it has investigated the mediating role of academic motivation in the relationship between family communication pattern and creativity. So, this study attempted to answer the following research questions:

- 1- Is there a relationship between family communication pattern and creativity?
- 2- Is there a relationship between family communication pattern and academic motivation?
- 3- Does academic motivation have a mediation role between family communication pattern and creativity?

Method

The research was a correlational study that was conducted among high school students in Aligodarz. The sample comprised 328 students (145 male and 183 female) from senior high school (grades 10 to 12) who were selected by cluster sampling method. Their ages ranged from 15 to 20 years. The participants responded to the following scales: Family

communication patterns scale, Situational motivational scale, and Creativity assessment Scale. These instruments showed appropriate reliability and validity. Path analysis was the major statistical operation in the study.

Results

The results of path analysis showed that the relationship between family communication pattern and creativity was influenced by the academic motivation. Confirmatory dimension of family communication pattern had negative direct and indirect effects on creativity while extrinsic motivation, dialogue dimension of family Communication pattern had positive direct and indirect effects on creativity. In sum, the results showed that academic motivational beliefs could be a mediator in family communication pattern and creativity. To evaluate the model, multiple indices of fitness were used which indicated that there was an acceptable fitness between the models and data.

Discussion

The main goal of this study was to investigate the relationship between family communication pattern and creativity with the mediating role of academic motivation. Data analysis showed that model variables explained 0.34 of the attitude toward creativity variance. Examining direct, indirect and total causal effects of the final model showed that dimensions of family communication patterns predicted attitude toward creativity with the mediating role of academic motivation. Combination of the variables in this model is, by itself, the most significant characteristic of this research. This finding that motivation plays a significant role in the relationship between family communication patterns and attitude toward creativity has illuminated the nature of this relation. Also it was revealed that students' creativity is, to some degree, affected by their academic motivation; those with an intrinsic motivation had more creativity than those with an extrinsic motivation. The findings indicate that if family environment provides comfortable conditions for conversation about many topics and spend much time to express thoughts and feelings of family members, the intrinsic motivation will be increased and will result in student's creativity. The findings could also be useful for schools; schools are expected to train communication and social life skills and values. Schools may help students to train needed skills for expressing feelings and emotions. Finally, in association with research proposals and constraints it can be said that, given the limited scope of the study participants in terms of age and geography, it is necessary to take care in generalizing the results to other regions and age groups. Also, as the study is correlational, causal inference is not possible from the results.

Key words: Attitude toward creativity, Dialogue, Conformity, Academic motivation

1- (Corresponding author) Assistant professor of educational psychology, Yasuj University, Iran.
Email: moltafet@yu.ac.ir

2- Assistant professor of special education, Yasuj University, Iran.
Email: somayasadati@ut.ac.ir

3- M. A. student of educational psychology, Yasuj University, Iran.
Email: hamidav66.psy@gmail.com.